

آسیب‌شناسی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل متحد از منظر حقوق بشر

کبری جعفری هرندی^۱

چکیده

در جهان امروز تحریم‌های بین‌المللی بعنوان ابزاری در جهت اعمال فشار بر کشورها از سوی جامعه جهانی مطرح می‌شود که این فشارها با هدف تغییر و تعدیل سیاست و منش کشورهای هدف صورت می‌گیرد و اغلب نه تنها سیاست دولت‌های مورد تحریم تغییر پیدا نمی‌کند بلکه فشار اصلی تحریم‌ها در بسیاری از موارد قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را تحت‌الشعاع قرار داده و باعث افزایش رنج و آلام مردم می‌شود. این مهم زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که تحریم‌ها از سوی کشورهای صاحب قدرت و به خصوص سازمان ملل متحد صورت گیرد. یکی از مهمترین انواع تحریم در این فرایند، تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی بوده که اگرچه در قالب حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در برخی موارد، امری ضروری به نظر می‌رسد و ابزاری در جهت ممانعت از تجاوز می‌باشد و هدف غایی آن تغییر و تعدیل در رفتار کشورهای هدف است. لیکن آنچه مسلم است آنکه تحریم‌ها همیشه با آثار ناخواسته همراه بوده که بدون هرگونه تفکیک یا تمایزی، به گروه‌های آسیب‌پذیر کشورها صدمه وارد می‌آورد و موجب نقض حقوق بشر می‌شود. در مورد تحریم‌های اقتصادی صورت گرفته توسط سازمان ملل و وضعیت حقوق بشر باید گفت که اگرچه مکانیسم بکارگیری تحریم‌ها ممکن است تا اندازه‌ای به تحقق اهداف ملل متحد کمک نماید، اما در عمل هزینه‌های حقوق بشری ایجاد شده بر جمعیت مردم از یک‌سو و وجهه خدشه‌دار شده قدرت‌های اعمال‌کننده تحریم از سوی دیگر، بسیار گزاف‌تر از منافع حاصل از این اقدامات است.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، شورای امنیت، حقوق بشر، حق توسعه، حق سلامت

^۱ کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل و وکیل دادگستری af.jafari@yahoo.com

مقدمه

تحریم^۱ به معنی اعمال محدودیت‌های یک کشور و یا جامعه بین‌المللی علیه یک کشور و یا یک گروه است که مهمترین نوع آنها تحریم اقتصادی است. رواج تحریم‌های بین‌المللی با مجوز منشور آغاز نشد و پیشینه آن به سده نوزدهم میلادی بر می‌گردد. در آن دوران اعمال تحریم عمدتاً از طریق محاصره بنادر توسط ناوهای جنگی یک دولت یا ائتلافی از دولت‌ها، با هدف قطع مناسبات اقتصادی با بنادر یا سواحل کشوری که با تحریم کنندگان در جنگ نبودند، صورت می‌گرفت. این روش به تدریج توسعه یافت و بعنوان ابزاری قهرآمیز اما بدون جنگ، برای وادار نمودن دولت‌هایی که از نظر تحریم کنندگان نافرمان تلقی می‌شدند به پرداخت بدهی‌ها یا خسارت و همچنین تسویه اختلافات بین‌المللی بکار گرفته می‌شد. چنین شیوه‌ای معمولاً توسط کشورهایی که از نظر نظامی قوی‌تر از محاصره شوندگان بودند. به ویژه علیه دولت‌های کوچک در اروپا و دولت‌های در حال ظهور در آسیا و آمریکای لاتین اعمال می‌گردد. نخستین محاصره بدون جنگ در ۱۸۲۷ در خلال جنگ‌های استقلال یونان علیه امپراتوری عثمانی توسط دولت‌های بریتانیا، فرانسه و روسیه به منظور جلوگیری از رساندن کمک و تجدید قوای نیروهای عثمانی و مصر که در داخل خاک یونان در جنگ بودند صورت گرفت. از آن زمان تا پایان جنگ نخست جهانی، ۲۱ محاصره بدون جنگ رخ داده است.

۹۶ میثاق جامعه ملل نخستین سند بین‌المللی است که مجوز تحریم را صادر کرده است. به موجب اصل ۱۶ میثاق تمامی اعضا متعهد بودند علیه هر عضوی از اعضای جامعه ملل که برخلاف تعهدات مندرج در مواد ۱۳ و ۱۵ به جنگ با یکی از اعضا متوسل می‌شد، بی‌درنگ مناسبات تجاری و مالی خود را با دولت خاطی قطع نماید. در طول ۴۵ سال پس از تاسیس سازمان ملل تنها دو مورد تحریم از سوی شورای امنیت اعمال شده است. نخست در سال ۱۹۶۶ علیه رودزیای جنوبی که یازده سال ادامه یافت و دیگری در سال ۱۹۷۷ علیه آفریقای جنوبی به سبب اعمال سیاست‌های تبعیض نژادی. اما پس از پایان جنگ سرد و دوران رقابت و توها بعنوان یکی از سیاست‌های مقابله به مثل در شورای امنیت، تصمیم جمعی به اعمال تحریم شتاب گرفته و از ۱۹۹۱ تاکنون در موارد عراق، لیبیا، ایران، رواندا، کره شمالی بارها این تحریم‌ها اعمال شده است. در همه موارد فوق از دلایل عمده اعمال تحریم این است که بعنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف اصلی منشور یعنی پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی از طریق گسترش همکاری میان ملت‌ها به ارتقای نقش حقوق بین‌الملل یاری رساند. موضعی که مورد حمایت اجلاس سران در ۲۰۰۵ نیز قرار گرفت (اردلان، ۱۳۹۲: ۳۳).

¹ Sanction

مفهوم تحریم اقتصادی

۱- مفهوم تحریم

تحریم را هم به جهت شکلی و هم از نظر ماهوی رفتار اقتصادی توصیف کرده‌اند که از سوی جامعه بین‌المللی و از طریق سازوکارهای پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد یا توسط گروهی از دولت‌ها و یا حتی یک دولت برای تحت تاثیر قرار دادن رفتار دولتی دیگر که متهم است از مقررات و تعهدات بین‌المللی خود عدول می‌کند، اعمال می‌شود. با این هدف که دولت موردنظر را از تداوم اقدام خود منصرف و یا به جبران خسارات ناشی از رفتارش وادار نماید. در منشور ملل متحد تحریم تعریف نشده است اما به آن بعنوان تصمیماتی که شورای امنیت برابر تدابیر فصل هفت منشور اتخاذ خواهد کرد، استناد شده است. چهارچوب حقوقی چنین تدابیری در مواد ۳۹ و ۴۱ منشور بیان شده و برطبق ماده اخیر شامل استفاده از نیروی نظامی نیست، اما در برگیرنده اقداماتی مانند گسستن روابط اقتصادی و دیپلماتیک و قطع هرگونه راه‌های ارتباطی می‌باشد، با این هدف که بتواند به رفع تهدید از صلح و امنیت و یا اعاده آن منجر شود. در واقع تحریم تدابیر قهرآمیزی است که توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز کرده یا از معیارهای اخلاقی مقبول تخطی کرده باشد، اعمال می‌شود. هوف. اور اگ معتقد است که: "تحریم عبارت است از الغای اجباری، دولتی، یا تهدید به الغای تجارت مرسوم و روابط مالی با یک کشور تحریم شده به منظور تغییر در سیاست‌های آن کشور" (Hufbauer and others, 2001: 2). هدف تحریم کننده آن است که کشور متخلف را مجبور کند تا دست از اعمال خود بردارد یا لاقلاً برای پایان دادن به رفتار غیرقابل قبول خود پشت میز مذاکره بنشیند. از سوی دیگر، بسیاری از تحریم‌ها جنبه شخصی داشته و کشورهای توسعه یافته به خصوص ایالات متحده آمریکا، تحریم‌های فراوانی را نسبت به کشورهایی که در گروه دوستانش قرار نمی‌گیرند، لحاظ می‌کند. از جمله این کشورها، ایران بوده که همواره در تحریم‌های شدید اقتصادی غرب و آمریکا بوده است. اما بحث ما در اینجا تحریم‌هایی است که از طرف سازمان ملل برقرار می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۰).

۲- تحریم اقتصادی

تحریم انواع گوناگونی دارد که می‌توان به تحریم اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی، نظامی، فنی و ... اشاره کرد. مهمترین نوع تحریم را تحریم اقتصادی می‌دانند. در گذشته بسیاری از صاحب‌نظران تحریم اقتصادی را مکمل حمله نظامی می‌دانستند. ولی امروزه تحریم اقتصادی، خود بعنوان یک ابزار اساسی محسوب می‌شود. از نظر باری ای کارتر^۱، تحریم‌های اقتصادی به معنی «تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور برای

^۱ Barry E. Carter

ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور و یا دست‌کم بازگوکننده نظر یک کشور درباره این قبیل سیاست‌ها می‌باشد». تحریم اقتصادی به نوعی بکارگیری ابزارهای حقوقی برای منافع سیاسی در حوزه اقتصاد است و تحریم‌گران با پوشش‌های حقوقی از طریق نهادهای بین‌المللی در پی بهره‌گیری‌های سیاسی- اجتماعی هستند و در این راستا از فشار اقتصادی بر کشورها یا مناطق استفاده می‌کنند. این فشار از یک سو موجب نارضایتی داخلی مردم از حکومت شده و از سوی دیگر انزوای کشورها را در جامعه بین‌الملل موجب می‌شود و با توجه به یکپارچگی اقتصادی کشورها، چنین مقوله‌ای می‌تواند زمینه آسیب‌های جدی به کشورهای مورد تحریم از جمله تورم و بیکاری، کاهش تولید، کاهش امید به زندگی در مردم و ... را به بار آورد (تائب، ۱۳۷۶: ۱۲). کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) با توجه به این مطلب طی قطعنامه‌ای اعلام می‌دارد که این اقدامات کمکی بر ایجاد جو مسالمت‌آمیز که لازمه توسعه است، نمی‌کند. آنکتاد در قطعنامه‌ای دیگر با عنوان "عدم قبول اقدامات اقتصادی قهرآمیز" اینگونه بیان می‌دارد: "تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات‌های اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد علیه کشورهای در حال توسعه، بعنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد، خودداری ورزند" (Carter, 1989: 5). البته همانطور که در قطعنامه با عبارت "اجبار سیاسی" اشاره شده است مسلم است که اگر این اقدام خود در راستای تنظیم روابط اقتصادی و با اهداف اقتصادی مدون در برنامه‌های توسعه یک کشور باشد هیچ منافاتی ندارد صورت گیرد. اما هنگامی که همین اقدام با انگیزه و قصدی سیاسی آمیخته شود آنگاه این عمل با آزادی تجارت مذکور در قطعنامه منافات خواهد داشت. همچنین مجمع عمومی به کرات اقدامات اقتصادی قهرآمیز را بعنوان وسیله دستیابی به اهداف سیاسی تقبیح کرده است (نف، ۱۳۸۵: ۲۵۸). بنابراین در این راستا یکی از اهداف تحریم‌ها تغییر رفتار کشور مورد تحریم به دلایل مربوط به روابط خارجی می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی معمولاً بعنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی بکار می‌روند. اینگونه استدلال می‌گردد که هدف جنگ اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت وارد نماید. بطور مثال با تدقیق و تعمیق در مشروح مذکرات مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۰ می‌توان این نتیجه را گرفت که تحریم‌های اقتصادی نه تنها سبب بروز تنگنانهایی در خرید و واردات کالا از خارج گردید؛ بلکه باعث افزایش تعداد واسطه‌ها در خریدهای کشور از خارج، افزایش هزینه‌های حمل و نقل و بیمه و توقف کشتی‌ها و طولانی شدن مدت زمان حمل کالا به علت تامین کالاهای ضروری به وسیله واردکنندگان از طریق واسطه‌های کویتی یا دیگر بنادر خلیج فارس شد. آشفتگی سیستم توزیع، احتکار و گرانفروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها و تشکیل کمیته صنفی و دادگاه انقلابی ویژه در این مورد را می‌توان از دیگر تبعات تحریم‌های اقتصادی دانست (فلدان و زایدل، ۱۳۷۹: ۵۳۳). یک سوالی که ممکن است در مورد اعمال تحریم‌ها در اینجا مطرح شود آن است که آیا در جایی که هنجارهای اساسی

حقوق بشر در تحریم‌های اقتصادی در مخاطره قرار می‌گیرند می‌توان تحریم‌هایی را اتخاذ نمود؟ با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و سایر اسناد مربوطه که مبین اصول پذیرفته شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به رنج و مشقت انسان‌ها گردند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند. این مسئله حتی در موردی که تحریم‌های اقتصادی توسط سازمان ملل متحد تحت توجهات منشور سازمان از اجماعی بین‌المللی برخوردار است، قابل توجه می‌باشد (ناصرپور، ۱۳۸۶).

تاثیر قواعد آمره در تحریم‌های اقتصادی

در اینکه فصل هفتم منشور ملل متحد، تحریم را بعنوان یکی از ابزارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، در اختیار شورای امنیت قرار داده است، تردیدی نیست. اما مثال اساسی این است که آیا شورای امنیت در وضع و اعمال تحریم محدود به حدودی هست یا خیر؟ در صورت لزوم، این حدود کدامند؟ بررسی اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد رعایت قواعد آمره بین‌المللی در همه حال امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بعنوان نمونه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، محدودیت‌هایی را حتی در زمان جنگ مقرر ساخته است. بطوریکه نقض این الزامات، نقض قواعد آمره و به مثابه جرم بین‌المللی است. نحوه رفتار با اشخاصی که در جنگ نقشی ندارند،^{۹۹} از جمله کودکان، سالمندان و بیماران از جمله این قواعد است. ماده ۴۲ منشور ملل متحد به روشنی میان تحریم و اقدامات نظامی قایل به تفکیک شده، تحریم را از آن دانسته است. بدیهی است در منطبق حقوق بین‌الملل، وقتی رعایت قواعدی حتی در زمان جنگ لازم‌الارعایه است بنحو اولی در حالت تحریم امری ضروری است و نقض آنها فاقد مشروعیت تلقی می‌شود. مسلم آنکه هیچ یک از بازیگران عرصه بین‌المللی اعم از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی، حق نقض این قواعد و یا تراضی برخلاف آنها را ندارند. سازمان ملل و ارکانش نیز از این قاعده مستثنی نیست. تحریم‌های کور بطور مطلق فاقد مشروعیت و تحریم‌های هوشمند به شرط رعایت قواعد آمره واجد مشروعیت تلقی می‌شوند. بنابراین نقض قواعد آمره از سوی شورای امنیت ولو در قالب صدور قطعنامه مستند به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور پذیرفته نیست و فاقد دو عنصر قانونی بودن و نیز مشروعیت است. البته اصل بر صحت تصمیمات سازمان ملل است. اما در صورت اثبات غیرقانونی بودن، تصمیمات ارکان سازمان مانند شورای امنیت فاقد آثار حقوقی و غیرالزام‌آور است. بدین ترتیب آن دسته از تصمیمات سازمان ملل در چارچوب حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد که هم از سوی نهادها و ارکان صلاحیت‌دار و هم در چارچوب وظایف و صلاحیت‌های محوله با رعایت موازین حقوقی مربوط اتخاذ شده باشد. به عقیده باوت هیچ مبنایی وجود ندارد که بپذیریم شورای امنیت بعنوان یک دکترین سیاسی مشمول Ultra Vires

نیست. اعضای ملل متحد از حق وادار کردن شورا به رعایت مقررات منشور و اتخاذ تصمیم بر مبنای و مطابق با آن برخوردارند. این معنا در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مورد تصریح قرار گرفته است که ویژگی سیاسی یک رکن نمی‌تواند موجب رهایی آن از رعایت محدودیت‌های منشور باشد (سادات میدانی، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

۱- تاکید بر رعایت حقوق بشر در منشور و قطعنامه‌های مجمع عمومی

شورای امنیت در تحریم‌ها، باید سایر مقررات منشور را نیز در نظر داشته و اقداماتش در فصل هفتم، در راستای اهداف و اصول ملل متحد صورت گیرد. از اهداف سازمان ملل، همکاری بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و حل و فصل مسایل دارای جنبه حقوق بشر دوستانه بوده و دولت‌ها، سازمان ملل و ارگان ذیربط آن ملزم هستند، در جهت ارتقاء سطح زندگی، حق اشتغال، توسعه امور اقتصادی و اجتماعی، بهداشت عمومی و احترام و رعایت حقوق بشر گام بردارند. از این رو موضوع رعایت و ارتقاء حقوق بشر در وضع و اعمال تحریم‌ها، باید از اهم ملاحظات بوده و هر رژیم تحریمی که برخلاف اهداف و مواد منشور، موجب نقض حقوق بشر شده، استانداردهای زندگی، کسب و کار و توسعه امور اقتصادی- اجتماعی را کاهش دهد و مشکلاتی در زمینه بهداشت، سلامت، آموزش و یا حق اشتغال ایجاد کند، ناقض مواد ۱، ۲۲ و ۵۵ بوده و به لحاظ حقوق منشور مورد خدشه می‌باشد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز قطعنامه‌هایی را به تصویب رسانده است که شرح ماده ۱ منشور به حساب می‌آید. از جمله این قطعنامه‌ها، منشور حقوق اقتصادی و وظایف دولت‌ها، اعلامیه حاکمیت دایمی بر منابع طبیعی و اعلامیه جهانی ریشه‌کنی گرسنگی و سوء تغذیه می‌باشد. این اسناد بعنوان معیارهای محدود کننده تحریم‌ها باید در نظر گیرد. همچنین مجمع عمومی، شورای حقوق بشر و دیگر نهادهای حقوق بشری که زیر نظر مجمع عمومی فعالیت می‌کنند، قطعنامه‌ها و بیانیه‌های متعددی را در مورد رعایت موازین حقوق بشر در تحریم‌ها به تصویب رسانده‌اند و در آنها ضمن ابراز نگرانی از اثرات منفی تحریم‌ها بر حقوق بشر، بر لزوم توجه و رعایت حقوق بشر و بشر دوستانه تاکید نموده‌اند.

۲- رعایت معیارهای اخلاقی مشروع در اعمال تحریم‌های اقتصادی

یکی از عوامل مهم در حمایت از تحریم‌ها، ارزش‌های هنجارهای جهانی در ارزیابی موضوع است که آیا اساساً تحریم باید اعمال شود یا خیر؟ چنانچه پاسخ مثبت فرض شود، تصمیم در خصوص اعمال تحریم‌ها بر اساس چه معیارهایی باید سنجیده شود و توجیه شود. آیا در جائیکه هنجارهایی اساسی حقوق بشر در مخاطره قرار می‌گیرند می‌تواند تحریم‌هایی را اتخاذ نمود؟ با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد مربوطه که مبین اصول پذیرفته

شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به رنج و مشقت انسان‌ها گردند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند. این مسئله حتی در موردی که تحریم‌های اقتصادی توسط سازمان ملل متحد تحت توجهات منشور سازمان از اجماعی بین‌المللی برخوردار است، قابل توجه می‌باشد. گزارش یونیسف در دسامبر ۱۹۹۴ درخصوص به مخاطره افتادن سلامتی ۳/۵ میلیون نفر از مردم عراق و سوء تغذیه آنها شامل ۵/۱ میلیون نفر از کودکان زیر ۱۵ سال که در نتیجه تحریم‌های اقتصادی اتخاذ شده از طرف شورای امنیت در اول آگوست ۱۹۹۰ به علت حمله عراق به کویت صورت گرفت، عمق فاجعه‌ای اینچنین را به تصویر می‌کشد (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۹۴). شخصیت و ارزش‌های عالی انسانی باید زمینه‌ای برای جلوگیری از ورود صدمه عمومی به مردم بیگناه و قربانی کردن آنها به منظور اهداف و اغراض سیاسی از طرف دولت‌ها باشد. با ظهور هنجارهای جدید و گرایش‌های بدیع در حقوق بین‌الملل می‌توان حق مداخله بشردوستانه را بعنوان استثنایی بر اصل مصونیت دولت‌های شمرد. نظر به درج حق حیات در اسناد بین‌المللی بشر از قبیل ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بعنوان حقوق بنیادین بشر و توجه به ویژگی آمریت اسناد مزبور، می‌توان مداخله بشردوستانه را دارای وجهت قانونی دانست. به همین منظور اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی در حمایت از افراد غیرنظامی و تحدید قلمرو تحریم‌های ناقض حقوق بشر نه تنها لازم بلکه ضروری است. برای اینکه تحریم‌ها موثر واقع شوند باید ۱۰۱ براساس معیارهای اخلاقی، مشروع و معتبر مبتنی باشند و خود منجر به نقض حقوق ارزشمند بشر نگردند همانگونه که استرن خاطر نشان می‌کند باید در جستجوی روش‌ها و ابزار دسته‌جمعی برای اعمال تحریم‌ها بود و این راه‌حل را می‌توان در کارایی بیشتر موازین حقوق بین‌الملل جستجو کرد و نه در مقررات امپریالیستی که به وسیله یک ابرقدرت وضع می‌گردد.

تحریم‌های اقتصادی و جنبه‌های آسیب‌پذیر حقوق بشر

از خصایص بارز انسان بعنوان موجود برتر، آزادی، احساس همراه با تعقل و مسئولیت او در شئون مختلف فردی و اجتماعی می‌باشد. با اجتماعی از این خصایص است که انسان، در مقام ارزیابی در شان و منزلتی برتر نسبت به سایر موجودات قرار می‌گیرد. اعتقاد به حیثیت و کرامت و برابری تمام افراد نوع بشر مانند بسیاری از دیگر اصول اساسی، تقریباً در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و مذاهب مورد تایید است (لوین، ۱۳۷۷: ۲۵). کرامت انسانی در ادیان الهی از جمله اسلام در دو مفهوم ذاتی و اکتسابی مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. تصویر انسان در سنت یهودی، مسیحی، به مثابه آفریده‌ای همانند خداوند، ارزش این منزلت را ارتقاء بخشید. در اسلام نیز قویا کرامت انسانی را تصدیق می‌کند و تفکر حقوقی اسلام حفاظت و گسترش آنرا

تأمین می‌نماید (Baderin, 2001: 72). بطور مثال هرگونه عملی (غیبت، تجسس، عیب‌جویی، مسخره کردن، طعنه زدن، سخن‌چینی و تهمت) که به شخصیت افراد لطمه وارد کند، در اسلام نهی شده است. هریک از این موارد به جنبه‌هایی از احترام به شخصیت انسانی و کرامت انسان اشاره دارد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۸۸: ۲۸). فلاسفه نیز در بیان فضیلت و کرامت انسانی، از پای ننشسته‌اند. لازم به ذکر است که در بازتاب نسبت به اعمال وحشیانه‌ای که همواره در طول تاریخ موجب تضییع حقوق بشر شده، شناسایی کرامت ذاتی انسان در حقوق موضوعه و به ویژه در حقوق بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته است. پاره‌ای از اندیشمندان جدید نیز در مقام توجیه حقوق بشر و حمایت از آن نظریه مبتنی بر کرامت انسان را ارائه کرده‌اند (شستاک، ۱۳۸۱: ۱۶۹-۱۷۱). مگ دوگال، لاسول و جن از جمله صاحب‌نظرانی به شمار می‌روند که حمایت از کرامت انسانی را عبارت از پاسخگویی به خواسته‌های ارزشی هشتگانه انسانی تحت عنوان احترام، قدرت، روشنگری، خوشبختی، سلامتی، مهارت، محبت و راستی دانسته‌اند. اندیشمندان مذکور با اعتراف به اینکه عوامل محیطی همچون جمعیت، منابع طبیعی ترتیبات نهادی و پاره‌ای از سودآوری‌ها، اصل اساسی کرامت و منزلت انسانی را در عمل آسیب‌پذیر ساخته است، آرمان جامعه جهانی و توزیع دموکراتیک ارزش‌ها را یک هدف عالی، براساس عدالت اجتماعی فراگیر، مورد حمایت قرار گیرد. از نظریه‌پردازی مذکور چنین می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بشر صرفاً با ارضاء آزادی‌ها و حقوق ابتکاری افراد، تضمین نخواهد شد؛ بلکه فهرست گسترده‌ای از مطالبات انسانی وجود دارد که با توزیع عادلانه امکانات و توسعه جهانی رفاه اجتماعی، می‌توان به کرامت و ارزش والای انسانی، بعنوان یک حقوق مسلم و طبیعی، بطور مساوی برای همگان نایل شد.

۱۰۲

ارزش‌های جهانی که خاستگاه انسانی داشته، بالطبع معیارها و هنجارهای عامی را طلب می‌کنند که تحقیقات همه آحاد بشر در این گستره، آن را ذاتی و در وجدان خود مورد پذیرش قرار داده و بایسته و شایسته تلقی می‌کنند. امری که به ناگزیر محدودیت‌های خاص را به همراه خواهد داشت. یعنی اگر ابتدای منطقی حقوق بشر بر کرامت و منزلت انسانی همراه باشد و صرفاً از این جهت بر بشر تعلق گیرد که بشر است و زمان، مکان قیدی دیگر را بر نمی‌تابد. لاجرم دو جنبه سلبی و ایجابی آن باید مورد تأکید قرار گیرد. ایجابی در مقام دفاع و ممانعت از تهاجم و تجاوز و مخدوش ساختن آن. از این دیدگاه تخلف از معیارها و ارزش‌های انسانی که از شمول قواعد و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها تلقی می‌شوند، برگرفته از ملاحظات ابتدایی و ذاتا بدیهی انسانی بوده که ویژگی مطلق داشته و در زمان صلح و جنگ باید رعایت شوند. بشر شایسته دارا بودن این حقوق اولیه است. حقوق اولیه‌ای که ناظر بر مشترکات انسانی است و از این حیث تفاوتی در ماهیت آنها نیست. لذا این موضوعات امر خصوصی و داخلی تلقی نمی‌شوند، بلکه اعضای جامعه بین‌المللی و لو اینکه ضرری متوجه آنها نشده باشد، مکلف به واکنش هستند. در این راستا در عین حال دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی متعهد شده‌اند که حقوق اساسی بشر را اجرا کنند و آنها را با وارد نمودن در حقوق داخلی خود تضمین کنند و از

هرگونه نقض و تخلفی ممانعت به عمل آورند. بنابراین این نتیجه حاصل می‌شود که در اعمال تحریم‌های اقتصادی نیز اصول بنیادین حقوق بشر باید مورد رعایت سازمان ملل متحد و ارکان وابسته به آن قرار گیرد. البته باید به خاطر داشت علیرغم سوء استفاده‌هایی که ممکن است از این رویکرد جدید و سازوکارهای اجرایی آن بشود در طی نیم قرن گذشته، حقوق بشر بطور گسترده‌ای اثر عمیقی بر شیوه‌های قانون ملی و سیاست‌های بین‌المللی و در نتیجه بطور ضمنی درک و فهم بشر از حاکمیت داشته است؛ بنابراین امروزه رعایت و احترام دولت‌ها به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی چه در حوزه داخلی و بین‌المللی نه تنها حیطه اقتدار و اعمال حاکمیت‌ها دولت‌ها را محدودتر نکرده، بلکه رعایت این حقوق مانع دخالت خارجی در امور داخلی دولت‌هاست و همچنین میزان بطور فزاینده، نقش تعیین کننده‌ای بر وجه جهانی دولت‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای آنها در حوزه‌های دیگر داشته است. حال در صورت تحریم‌های اقتصادی این سوال ممکن است مطرح شود که با چه اصولی از حقوق بنیادین بشر در تعارض است؟

۱- حق حیات

حق حیات بعنوان مهمترین و عالی‌ترین حقی که سایر حقوق از آن ناشی شده، اساس و هسته تحلیل‌ناپذیر حقوق بشر می‌باشد. این حق که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین در ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی دیگر تاکید شده توسط همه کشورها بعنوان یک حق ذاتی انسان‌ها مورد حمایت قرار گرفته و از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بعنوان عالی‌ترین حقی مطرح شده که حتی در موقعیت‌های اضطراری همگانی هم قابل چشم‌پوشی نیست. آثار فاجعه‌آمیز تحریم‌ها بر حق حیات که از آن بعنوان قاعده آمره تخطی‌ناپذیر و اساس همه موازین حقوق بشر یاد می‌شود، در بسیاری از تحریم‌ها به ویژه در موارد فراگیر انکارناپذیر است چرا که فقر فراگیر وقفه در ارائه خدمات اجتماعی و کمبود و فقدان اقلام دارویی و غذایی کافی ناشی از تحریم‌ها، گسترش بیماری و افزایش میزان مرگ و میر را به دنبال دارد. گزارش‌های افزایش میزان مرگ و میر کودکان در کشورهای مرود تحریم از جمله عراق بیانگر آن است که وجود تحریم حق زندگی افراد جامعه تحت تحریم به ویژه کودکان، زنان و سالمندان را به شدت تحت تاثیر قرار داده است.

۲- حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی

اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد، هرکس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده خود را از حیث مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند. همچنین این اعلامیه حق امنیت اجتماعی و برخورداری از شرایط آبرومندانه زندگی را حتی در شرایطی مثل بیکاری و بیماری به

رسمیت می‌شناسد. این حق در مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت مفصل‌تر مطرح شده و براساس آن، اعضای این معاهده حق فرد و خانواده‌اش را در دارا بودن سطح مناسب زندگی و ارتقای مداوم این شرایط را به رسمیت شناخته و تعهد خود را بر اتخاذ حق تدابیر مقتضی در این خصوص اعلام نموده‌اند. همچنین در مواد مختلفی از کنوانسیون‌های بشردوستانه ژنو و اسناد الحاقی بر تامین کالاها و نیازهای ضروری جمعیت غیرنظامی حتی در زمان جنگ تاکید شده است. تحریم‌های اقتصادی حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی را محدود و بلکه نقض می‌نماید. چراکه تاثیر منفی تحریم‌ها بر تولید، صادرات و توزیع کالاهای اساسی از سویی و بازدهی کم اقتصادی، توزیع کم و غیرعادلانه کالا و خدمات و ایجاد بی‌نظمی و شکاف اجتماعی ناشی از تحریم از سوی دیگر، درآمدها را کاهش و هزینه‌ها را افزایش داده و در مجموع سطح زندگی و معیشت مردم را تنزل داده و آنها را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی محروم می‌کند.

۳- حق سلامت و بهداشت

برخورداری از امکانات و خدمات پزشکی و درمانی نیز از حقوقی است که مورد تاکید ویژه اسناد حقوق بشر است. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق همه انسان‌ها را در برخورداری از بهترین حال سلامت جسمی و روحی به رسمیت شناخته و برای تامین کامل این حق، کشورها را متعهد می‌نماید، به منظور کاهش مرگ و میر، سقط جنین، بهبود شرایط رشد سالم زندگی کودکان، بهبود خدمات بهداشتی، پیشگیری، معالجه و مبارزه با بیماری‌ها به خصوص بیماری‌های واگیردار و شایع، ایجاد شرایط مناسب برای تامین مراکز و کمک‌های پزشکی برای عموم، اقدامات لازم را انجام دهند. کنوانسیون حقوق کودک نیز برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت، درمان و توانبخشی را برای کودکان به رسمیت شناخته و کشورها را متعهد نموده تا برای محروم نشدن کودکان از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی، تلاش نمایند. همچنین در زمینه کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان؛ تضمین مشورت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی اولیه؛ مبارزه با بیماری‌ها و سوء تغذیه (از طریق فراهم نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و ...) تضمین مراقبت‌های قبل و پس از زایمان مادران و ... روش‌های مناسبی را اتخاذ نمایند (اسدی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰).

بعد از اعمال تحریم بر علیه عراق بعد از حمله به کویت، آژانس‌ها و نهادهای مختلف سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشری گزارشات را ارائه نمودند که تحریم‌های اقتصادی شدید باعث کمبود مواد غذایی و تخریب و نابودی سیستم آب آشامیدنی سالم گردیده است که در نتیجه آن سوء تغذیه و افزایش بیماری‌ها منجر به مشکلات شدید بهداشتی و فقدان اقلام دارویی شده است (حسینی، ۱۳۸۶: ۶۰).

۴- حق آموزش

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر فردی را در دسترسی به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسد. آموزش و پرورش که هدف آن نمو کامل شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر باشد. به این منظور کشورهای عضو میثاق متعهد شده‌اند آموزش و پرورش ابتدایی را اجباری نموده و به صورت رایگان در دسترس عموم قرار دهند. تعمیم آموزش و پرورش متوسطه و همچنین آموزش عالی برای عموم نیز از جمله تعهدات اعضای میثاق می‌باشد. ساختار آموزش هر کشوری که تحت تحریم‌های شدید قرار می‌گیرد به خاطر مشکلات اقتصادی و نبود بودجه لازم دچار اختلال جدی می‌شود و حق طیف گسترده‌ای از مردم به ویژه کودکان، نوجوانان در دسترسی به آموزش و پرورش و خدمات کافی در این زمینه تضییع می‌گردد.

۵- حق فعالیت اقتصادی

میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مواد ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ حقوقی از قبیل حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مناسب از جمله غذا، پوشاک و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری بیان شده است. لازم به ذکر است تحریم‌های آمریکا علیه ایران در مجموع از چند جنبه به اقتصاد ایران لطمه وارد کرده و می‌کند. صادرات نفت، گسترش و نوسازی حوزه‌های نفتی، واردات عمومی و سرمایه‌گذاری خارجی از حوزه‌هایی هستند که مورد هدف و لطمه قرار گرفته‌اند. همچنین گفته می‌شود درآمد سرانه ایران دو سوم کمتر از زمان قبل از تحریم شده است (همان، ۴۷۳).

۱۰۵

۶- حق توسعه

در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حق توسعه به این صورت توصیف شده است "حق جهانی و جدایی‌ناپذیر و جزء جدانشدنی حقوق اساسی بشر" همچنین اعلامیه حق توسعه این اصل را چنین بیان می‌دارد "حق انسانی جدایی‌ناپذیر که به موجب آن هر انسانی و تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن کلیه حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی بطور کامل تحقیق می‌یابد مشارکت و همکای کرده و از آن بهره‌مند شوند." شورای حقوق بشر تحت عنوان "حقوق بشر و اقدامات قهرآمیز یکجانبه" به صراحت محدودیت‌های تجاری محاصره ممنوعیت معامله و مسدود کردن دارایی‌ها را بعنوان اقدامات مجبور کننده‌ای فهرست می‌کند که از لحاظ حقوق بشر جرم محسوب می‌شوند. تحریم‌های آمریکا موجب اختلال به روند توسعه مذکور گردیده است (زنگنه شهرکی، بی تا: ۳۱-۳۰).

۷- حق تعیین سرنوشت

منشور ملل متحد در بند ۲ ماده ۱ خود چنین ذیل مقاصد سازمان بیان می‌دارد "توسعه روابط دوستانه در روابط بین‌الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی" حق خودمختاری یا تعیین سرنوشت در نظام حقوق بین‌الملل بشر بعنوان اصلی اولیه شناخته شده است که بدون احترام به آن صلح پایدار جهانی امکانپذیر نخواهد بود.

۸- اصل مسئولیت فردی در مجازات

اقدامات قهری مانند تحریم‌های اقتصادی جامع علیه کشوری قبل از هر چیر شکلی از تنبیه دسته جمعی می‌باشد که با اصل اخلاقی مسئولیت فردی نامتناسب است. تنبیه آنهایی که مسئول تصمیمات سیاسی مشخصی نیستند ممکن است با توجه به تلاش به ضربه زدن مستقیم به مردم کشور هدف، اقدامی تروریستی قلمداد شود. به هر حال وارد ساختن خسارت‌های عمدی به مردم بی‌گناه فی‌نفسه یک عمل غیراخلاقی است که با هیچ ساختار منفعت‌گرایی توجیه نمی‌شود. علاوه بر موارد یاد شده تحریم‌های یکجانبه اقتصادی نامشروع بدون مبنای قانونی می‌تواند به حقوق دیگری از این نظام برتر بین‌المللی (حقوق بشر) لطمه وارد آورد.

نتیجه‌گیری

همانطور که پیش از این گفته شد، منطق تحریم‌های اقتصادی آن است که هرچه تحریم‌های ملل متحد بیشتر به وضعیت اقتصادی کشور هدف آسیب برساند، احتمال دستیابی به اهداف سیاسی این نهاد بیشتر می‌شود. اما، بکارگیری تحریم‌های اقتصادی در طول تاریخ حقوق بین‌الملل نشان دهنده این واقعیت است که اگرچه بکارگیری مکانیسمی از این دست ممکن تا اندازه‌ای به تحقق اهداف ملل متحد کمک نماید، اما در عمل هزینه‌های حقوق بشری ایجاد شده بسیار سنگین‌تر از منافع حاصل از این اقدامات است. بنابراین اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط کشورها و خصوصا در چارچوب سازمان بین‌المللی ممکن است تبعات وخیم و غیرقابل جبرانی بر حقوق و حیات و آینده کشور مورد تحریم تحمیل کند. تجربه تحریم‌ها نشان داده است که همواره قربانی درجه اول این اقدامات ملت‌ها هستند و در موارد متعددی این تحریم‌ها در رعایت حقوق بشر و حق ملت‌ها در برخورداری از حقوق بنیادینی مثل حق حیات و دستیابی به فناوری نوین، حق آموزش و سلامت نامشروع‌اند. البته سازمان ملل متحد و بطور خاص شورای امنیت در سال‌های اخیر با فعال‌تر کردن کمیته‌های تحریم و نگرش مثبت نسبت به اعمال تحریم‌های هوشمند به سمتی در حال حرکت است که بیشترین اثر را بر ناقضان و کمترین تبعات را بر ملت کشور تحریم شده داشته باشند. هر چند در اعمال این تحریم‌ها نیز معایبی چون نقص برخی از حقوق بشری قابل طرح است اما روشن است که کارسازتر و انسانی‌تر

می‌نماید. به هر روی تحریم‌های مزبور هنگامی موثر و عادلانه است که از مسیر اصلی و عدالت و کارکرد شورای امنیت خارج نشود.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ابراهیمی، سید نصراله (۱۳۸۱)، «عدالت، حقوق بشر و چالش‌های آن در حقوق بین‌الملل»، *مجله حکومت اسلامی*، ش ۳۵.
- ۲- اردلان، اسعد (۱۳۹۲)، *ابعاد اخلاقی و حقوقی تحریم‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مجد.
- ۳- اسدی، بهروز (۱۳۸۹)، «تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور*.
- ۴- تائب، سعید (۱۳۷۶)، «قانون داماتو: ایران یا اروپا؟»، *مجله سیاست خارجی*، س ۱۱، ش ۴۱.
- ۵- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «بررسی اعمال تحریم و رعایت موازین حقوق بشر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۶- زنگنه شهرکی، جعفر (بی‌تا)، *بررسی اثرات زیانبار تحریم‌های بین‌المللی بر حقوق بشر با بررسی ۱۰۷ موردی تحریم‌های شورای امنیت علیه عراق در دهه ۱۹۹۰*، مجموعه مقالات همایش ابعاد حقوقی تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت.
- ۷- سادات میدانی، حسین (۱۳۸۷)، *صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۸- سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۲)، *اصول حقوق بشر اسلامی و تحریم‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مجد.
- ۹- شستاک، جروم جی (۱۳۸۱)، «نظریه حقوق بشر»، مترجم: جواد کارگزاری، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۴۰.
- ۱۰- فلدان، هوهن و زایدل، آیگناتس (۱۳۷۹)، *حقوق بین‌الملل اقتصادی*، مترجم: سید قاسم زمانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- ۱۱- لوین، لیا (۱۳۷۷)، *پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر*، مترجم: محمدجعفر پوینده، تهران: نشر قطره.
- ۱۲- میرموسوی، سید احمد و حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۸)، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، چ ۴، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۳- ناصرپور، حسن (۱۳۸۶)، *شناخت راهبرد جنگ اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت سیاسی مرکز عقیدتی-سیاسی ناجا.

۱۴- نف، استفن (۱۳۸۵)، جنگ اقتصادی در حقوق بین‌الملل، نظریه‌های تحریم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

لاتین:

- 1- Baderin, Moda (2001). Establishing Areas of Common ground between Islamic Law and International Human Rights. The International Journal of Human Rights.
- 2- Carter and Barrely (1989). International Economic Sanctions", Cambridge University press: New York V.1.
- 3- Hufbauer Garry Clyde, Schott Jeffrey J.and Ellitt Kimbely Ann (2001). Economic Sanction Reconsidered: History and Current Policy, 3Rad Editin, Institute for international Economic.